

نقد روانکاوانه عنصر رنگ در اشعار فریدون مشیری

واژگان کلیدی

- * شعر معاصر
- * فریدون مشیری
- * عنصر رنگ
- * تحلیل روانکاوانه

دکتر عبدالله حسن زاده میرعلی* a.hasanzadeh@semnan.ac.ir

دانشیار دانشگاه سمنان

زهرا رحیمی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان

چکیده

عنصر رنگ، برجسته‌ترین و نمودارترین عنصر در حوزه محسوسات است. این عنصر امروزه مهم‌ترین عنصر در بروز خلاقیت‌های هنری و بهره‌وری محسوب می‌شود و بسیاری از هنرمندان و بزرگان ادبی از آن برای انتقال مفاهیم مورد نظر خود بهره می‌برند. فریدون مشیری از جمله شاعرانی است که عنصر مذکور را با آگاهی و بدون هیچ‌گونه تکلفی برای تصویرسازی در شعرش بکار می‌برد. در این مقاله که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده، این موضوع در اشعار وی مورد بررسی قرار گرفت که نهایتاً نتایج حاصل، حاکی از این بود که عنصر رنگ در اشعار وی بیان‌کننده حوادث شخصی و مسائل اجتماعی بوده که بر روحیه شاعران وارد آمده است.

در شعر مشیری، رنگ‌های تیره، نشان‌دهنده سایه‌های وهم و اختناق، و رنگ‌های شاد، مظهر شادی و امید هستند. دیگر اینکه رنگ‌های آبی و سبز در اشعار ایشان، برخلاف نظرهای دیگران، تعبیری از روشنی و آرامش هستند.

نقد روانکاوانه رویکردی در نقد است که نخستین بار توسط «فروید» بر اثر «همچون گربه سیاه» از «دگارد آلن پو» صورت گرفت. این نقد در ابتدا بر روانکاو نویسنده‌ی اثر تکیه داشت که بعدها این رویکرد به وسیله شاگردان وی بر تحلیل شخصیت و شخصیت‌های داستان استوار گردید. روانکاو بر تحلیل ناخودآگاه به عنوان یکی از منابع اساسی رویا تاکید دارد و معتقد است که عنصر تشکیل دهنده‌ی ناخودآگاه چیزی بیش از کلمه نیست. این دیدگاه در تحلیل آثار ادبی بعدها توسط سوررئالیست‌ها در تحلیل آثار ادبی مورد استفاده قرار می‌گیرد. کارل گوستاو یونگ از مفهوم ناخودآگاه در دو سطح (ناخودآگاه فردی و ناخودآگاه جمعی) استفاده می‌نماید. ناخودآگاه جمعی را نشان و نمادها و آرکی تایپ‌هایی تشکیل می‌دهد که در ناخودآگاه جمعی هر فرد وابسته به محل زندگی و ویژگی‌های اجتماعی فرد وجود دارد.

در این رابطه باید گفت، اگرچه یونگ مستقیماً نسبت به رنگ، به عنوان یکی از این آرکی تایپ‌ها دیدگاهی ندارد ولی از آنجا که روش وی برخوردی نمادین با هر عنصر تشکیل‌دهنده از عناصر ناخودآگاه جمعی هر فرد است، در این راستا می‌توان به بررسی آن نیز پرداخت.

لوشر بعد از رنگ‌های فام (سیاه و سفید) چهار رنگ آبی، قرمز، سبز و زرد را رنگ‌های اصلی دانسته است؛ که بیانگر نیازهای روانی، نیاز به خشنودی، محبت، اظهار وجود، نیاز به عمل و موفقیت و نیاز به چشم انتظار بودن و امید داشتن است. فرد متعادل در انتخاب به هنجار این چهار رنگ را در انتخاب اول تا پنجم خود قرار می‌دهد. (لوشر، ۱۳۸۴)

۲- بیان مسئله

«رنگ»، به عنوان برجسته‌ترین و نمودارترین عنصر در حوزه محسوسات، از دیرباز تاکنون مورد توجه انسان بوده و همواره روح و روان آدمی را مسحور قدرت نافذ خویش نموده است. امروزه رنگ مهم‌ترین عنصر در بروز خلاقیت‌های هنری و بهره‌وری محسوب می‌شود؛ چنانکه بسیاری از بزرگان ادبی و هنری جهان چون «گوته» - به اذعان خویش - مدیون استفاده خلاق از رنگها و توجه دقیق بدان بوده‌اند (بیرانوند و همکاران، ۱۳۹۵: ۲). انسان در برابر رنگ‌ها از خود واکنش‌هایی نشان می‌دهد. رنگ قسمتی از خودآگاه، نیم خودآگاه و ناخودآگاه ما است و ما با دریافت رنگ در رفتارمان از خود واکنش نشان می‌دهیم. این واکنش‌ها فقط روانی و یا ادراکی

نیستند بلکه ممکن است جنبه فیزیولوژیک هم داشته باشند. از این رو رنگ کامل‌ترین تعریف یک پدیده سایولوژیک است که در مغز و روان ما ایجاد می‌شود و خارج از ذهن ما رنگ مفهومی نخواهد داشت. در عصر حاضر به کمک رنگ‌ها حالت‌های روانی افراد تشخیص داده می‌شود یا بسیاری از بیماری‌ها، خواه روانی و خواه جسمانی و بدنی، به وسیله آنها درمان می‌شود. پس نگاه مکرر به رنگ‌ها از انگیزه درونی افراد سخن می‌گوید. تأثیر رنگ بر روان انسان تا جایی است که نه تنها به خوانش جریان ذهنی نویسندگان و شاعران کمک می‌کند، بلکه تحولات بسیاری در علوم دیگر ایجاد کرده است و از آن در زمینه‌های مختلف بهره می‌برند؛ مانند تشخیص بیماری‌های روانی و جسمی به کار می‌رود. درک حکایت رنگ‌ها و نقش نمادین آنها متعلق به ضمیر ناخودآگاه جمعی است. همانطور که تعلق افراد به یک فرهنگ باعث واکنش مشابه می‌شود، در مورد رنگ‌ها هم ارزش نمادین احساسات، ناشی از طبیعت فرد و تجربیاتی است که او نسبت به رنگ آگاهانه یا ناآگاهانه پنداشته است و در نهایت باعث علاقه به رنگ خاص، ترجیح یا تنفر از آن می‌شود. خلاصه اینکه هر رنگ شخصیت روانی شناختی کاملاً مستقلی دارد. (عطاری و فلاحی، ۱۳۸۲، ص ۶).

یکی از عرصه‌های نمود رنگها و مفاهیم تصویری و به خصوص نمادین آنها، آثار مکتوب و ادبی ملتهای گوناگون است، عنصر رنگ در ادبیات و به خصوص شعر ملل، از دیرباز مورد توجه بوده است. شعر فارسی نیز از آغازین دوره‌های پیدایش خویش به ویژه هنگام استفاده از اجزای طبیعت، از این عنصر بهره برده است. بسیاری از عاشقانه‌های ادب منظوم فارسی، با رنگها آشنایی دیرینه دارند. از قرن ششم و با ورود جدی و گسترده مضامین عرفانی به شعر فارسی، عنصر رنگ برای تجسم و محسوس ساختن امور معقول و ماورایی وارد عرصه شاعری شد. (کلاهیجان و نظری‌فر، ۱۳۹۵: ۲).

شاعر به کمک ذخائر واژگانی بنا به قریحه شاعرانه‌اش، تابلوهایی خیالی و نگارین ترسیم می‌کند و بر اساس عناصر رنگین طبیعت به رنگ‌آمیزی این تابلو می‌پردازد. «شاعر و نقاش برای ارائه تصاویر خیال انگیز ابزارهای مشترک به کار می‌گیرند، مهم‌ترین این ابزارها فرم و رنگ است». (شمیسا و کریمی، ۱۳۸۴، ۱۰۴).

شاعر معاصر، گاهی رنگ را به خاطر زیبایی‌های حسی به کار می‌گیرد تا ارزش‌های درونی آن را پدیدار سازد و زمانی هم از این مراحل پا فرا نهاده و مفاهیم نمادین رنگ‌ها را موضع

توجه خود قرار می‌دهد تا از این راه، تفکرات خویش را به کمک رنگ‌های درخشان به صورت نماد به تصویر کشد. چرا که هر انسانی متأثر از محیط طبیعی خویش است و بسته به روحیه یا مسلک و اندیشه خود به رنگی خاص، عشق می‌ورزد و از رنگی دیگر، متنفر است و انعکاس این تمایل یا تنافر، همواره در اعمال، گفتار و نوشتار او جلوه‌گری می‌نماید. به طور کلی رنگ‌ها، تأثر عمیقی در روند خلاقیت و شکل‌دهی شخصیت افراد دارند. انسان ملتهب و آشوب زده معاصر، جهت بازگرداندن آرامش و نشاط از دست رفته خویش، به رنگ پناه می‌برد. «شاعر امروز، راوی صادق لحظه‌های زندگی خویش و جامعه‌ای است که در آن به سر می‌برد. او زیبایی‌ها و زشتیها را همچون نقاشی زبردست، در اشعار خود به تصویر می‌کشد و چنین است که شعر رنگین امروز بر خلاف شعر دیروز، آئینه روحیات شاعر و انسانها و حوادث عصر اوست» (عصوف، ۲۰۰۳، ۱۴۱).

بر خلاف سیر گرایش شاعران کلاسیک، گسترده‌ترین بستر نمادین رنگ در شعر معاصر، از مسائل سیاسی و اجتماعی و حوادث حاکم بر جامعه نشأت می‌گیرد و از آنجا که شاعر از شعر، به عنوان ابزاری برای بیان عقاید و احساسات خود و حتی به منظور رسیدن به اهداف سیاسی و اجتماعی استفاده می‌کند، لذا تأثیرات مسائل سیاسی و اجتماعی در شخصیت شاعر معاصر، مستقیماً با گزینش رنگها در ارتباط است. اساساً نگاه شاعران معاصر، جنبشی از درون به بیرون است؛ یعنی آنان می‌کوشند تا با استفاده از عناصر عینی چون طبیعت و محیط پیرامون، به تداعی تصورات ذهنی و روحیات شخصی خود بپردازند، چرا که با رنگ‌ها، کیفیت بیرونی اشیاء و پدیده‌ها نیست، بلکه زائیده کیفیت ادراک انسان‌ها است» (لوشر، ۱۳۸۶).

رنگ‌ها از عناصری هستند که در آفرینش تصویر شاعرانه، نقش مؤثری دارد. شاعر با استفاده هنرمندانه از رنگها می‌تواند در ساخت تشبیهات و استعاره‌های پویا و متحرک گام بردارد. رنگها، حس بینایی افراد را برای بهتر به تصویر کشیدن خیالات شاعرانه، تحریک می‌کنند و گاه به عنوان زبان، عاملی می‌شوند تا به مخاطب، سخنانی را بگویند که واژه‌ها از بیان آن ناتوانند. شفیعی کدکنی (۱۳۸۱) در این زمینه می‌گوید: «مسلم است عنصر رنگ به عنوان گسترده‌ترین حوزه محسوسات انسانی در تصویرهای شاعرانه سهم عمده‌ای دارد و از قدیمی‌ترین ایام، مجازها و استعاره‌های خاصی از رهگذر توسعه دادن رنگها در غیر مورد طبیعی خود در زبان وجود داشته است، چنانکه بسیاری از امور معنوی که به حس بینایی در نمی‌آیند، با صفتی که از صفات رنگ‌هاست، نشان داده می‌شده‌اند».

هر رنگی معنایی روانی دارد که نتیجه تأثیر فیزیولوژیک رنگ‌ها است. در روانشناسی رنگ‌ها آمده است: «قرمز یعنی لزوم به دست آوردن نتایج مورد نظر و کسب کامیابی و محرک اراده برای پیروزی و تمام شکل‌های شور زندگی را شامل می‌شود. قرمز، یعنی «تأثیر اراده» یا «قدرت اراده»، در حالی که رنگ سبز، مظهر انعطاف‌پذیری اراده فرد است» (علی اکبر زاده، ۱۳۷۸).

هدف از بررسی شعر و ادبیات در هر عصر، دست یافتن به جنبه‌های عینی و جزئی در جهان مطلوب و واقعی شاعر بوده است. لذا تأثرات سیاسی، اجتماعی، زندگی و شخصیت شاعر با گزینش واژه، عناصر، تصاویر و به ویژه رنگ‌ها در ارتباط مستقیم است.

از جمله مضامینی که اکثر شعرا عموماً و فریدون مشیری خصوصاً به آن پرداخته‌اند، مباحث روان‌شناسانه است. توصیفات و تصاویری که در اشعار این شاعر نمود پیدا کرده، بر اساس عنصر رنگ است (پناهی، ۱۳۸۵، ص ۴)؛ این عنصر یکی از اجزای مهم صور خیال و همچنین از ابزار کاربردی نمادپردازی در شعر است، که بعنوان یکی از عناصر مهم زیان‌رمزگونه شاعران و بیان‌نمادین آنها شناخته می‌شود و شاعران و ادیبان در نقل تجربه شعری از تنوع و ظرافت و تأثیر آن بهره برده‌اند. (رنجبر و نجاتی، ۱۳۹۲: ۲)

مشیری به کمک عناصر رنگین طبیعت و نیز به مدد استعارات خیالی، از خصوصیات شخصیت‌ها و افکار خود صحبت می‌کند. فریدون مشیری از آن دسته از شاعران معاصر هستند که رنگ در شعر و تصویرسازی برای آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و بدین جهت از اکثریت رنگ‌ها، با شیوه‌ای بسیار درست و اصولی و متناسب با معنا در جایگاه خود بهره برده است. این شاعر همواره خواهان مشارکت عاطفی ناخودآگاه با پدیده‌هایی طبیعی هستند. آنها به توصیف رنگ‌هایی که در طبیعت، مظاهر رمز و رازهاست حساسیت و عنایت خاصی دارند. بر این اساس آنها در بکارگیری شیوه‌های بیانی تصویرپردازی، باورها و عقاید و در حوزه روانشناسی بسیار ماهرانه می‌اندیشد. «در هر حال بکار بردن رنگ‌ها و اکثریت‌بخشی به آنها در زبان به نشان دادن ذهن و دغدغه‌های روحی شاعر کمک بسیار می‌کند. به عبارت دیگر طرح‌های فرضی شاعر را نمایان می‌کند و بر مفاهیم ذهنی و نمادهای محتوای نوشته‌ها دلالت می‌کند (پناهی، ۱۳۸۵، ص ۴).

مشیری رنگ را در شعر با آگاهی و بدون هیچگونه تکلیفی، برای تصویرسازی بکار می‌برد. او در تصاویر شعری خود از رنگ به دقت استفاده می‌کند و رنگ را با ظرافت می‌ریزد. روح

آرامش‌طلبی او را، در رنگ‌های آرامی که به کار می‌برد می‌توان دریافت، اگرچه بعضی وقت‌ها به ضرورت زمان و مکان از واژه‌هایی سود می‌جوید که بوی ستیزه و جنگ و خون و غم و اندوه از آنها می‌تراود. در هر حال با دقت در تمامی اشعار چاپ شده این شاعر، می‌توان ظرافت‌های شعری او را در زمینه‌های بهره‌گیری روان‌شناسانه از رنگ این گونه بیان کرد.

با توجه به آنچه گذشت و اهمیت کاربرد رنگ در ادبیات و نقش آن در بیان شخصیت و افکار شاعر یا نویسنده و نظر به جایگاه غیرقابل انکار فریدون مشیری در این زمینه، نگارنده در این مقاله کوشیده به بررسی و تحلیل روانکاوانه عنصر رنگ در اشعار فریدون مشیری بپردازد. لذا در این راستا اشعاری از تمام مجموعه شعرهای فریدون مشیری، به عنوان شاهد و مثال انتخاب و بررسی خواهد شد و با توجه به اینکه این مجموعه شعرها در سال‌های مختلف به چاپ رسیده‌اند، نام فریدون مشیری بیشتر تکرار شده است و این تکرار نام به دلیل مجموعه شعرهای متعدد او در سال‌های متفاوت است که به چاپ رسیده است.

۳- پیشینه

در زمینه بررسی روانکاوانه عنصر رنگ در اشعار فریدون مشیری تاکنون پژوهشی به صورت علمی صورت نگرفته است؛ بر همین اساس در این قسمت به معرفی پژوهش‌هایی که در زمینه بررسی عنصر رنگ در شعر شاعران معاصر، صورت گرفته، پرداخته شده است. از جمله:

۱. پاشایی فخری در سال ۱۳۹۴ در مقاله‌ای به بررسی نماد رنگ در آثار سعدی پرداخته است. روش کار در این تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داده که سیاه، سرخ و سفید پرکاربردترین رنگ‌ها در اشعار سعدی هستند.

سیاه پرسامدترین رنگ در آثار وی، حکایت از روزگار سیاه خفقان و دردآوری است که شاعر در آن به سر برده است و گاه سعدی از رنگ سیاه برای توصیف زیبایی‌های معشوق بهره می‌برد. سفید در اکثر موارد با سیاه همراه شده و سعدی از رهگذر تقابل سفیدی و سیاهی، هم به آفرینش زیبایی پرداخته و هم بدین وسیله سفیدی را- که عدم وجود رنگ است- برجسته‌تر و پررنگ‌تر نشان داده و رنگ سرخ را نیز اغلب برای نشان دادن سرخی لب یار، بکار برده است.

۲. ذبیح نیا و حوتی نژاد در سال ۱۳۹۳ تحقیقی تحت عنوان «روانشناسی رنگ در روایت وامق و عذرا» را به نگارش درآورده‌اند، نگارندگان با توجه به موضوع مقاله به بررسی رنگ در

سه روایت مهم از وامق و عذرا به عنوان یکی از مهمترین منابع فرهنگی کشورمان پرداخته‌اند و در ادامه با استفاده از دیدگاه لوشر به عنوان یکی از مهمترین چهره‌های روان‌شناسی رنگ این پژوهش را انجام داده‌اند. در نهایت بیان کرده‌اند که بالاترین فراوانی متعلق به رنگ قرمز است و با توجه به این که در روان‌شناسی کارکرد این رنگ به منزله رنگ عشق، زندگی، جنگ، و مرگ در نظر گرفته می‌شود، این گونه تحلیل کرده‌اند که حضور پر رنگ عشق و وامق عذرا جنگ میان دو کشور مصر و یمن و مرگ غم‌انگیز این عشقتان در پایان داستان را دلایل مشاهده بسامد بالای این رنگ و تداعی‌گر آن است.

۳. انصاری و همکاران در سال ۱۳۹۱ در مطالعه‌ای به تحلیل ابعاد معناشناختی رنگها در مثنوی معنوی پرداخته‌اند؛ در این تحقیق نشان داده شد مولانا ۲۲۷۵ بار از رنگها در مثنوی به صورت مستقیم و غیر مستقیم استفاده کرده است که آن رنگها عبارتند از: سیاه، سفید، سبز، قرمز، زرد و مشتقات اینها. پرکاربردترین رنگ در اشعار مولوی، رنگ زرد و کم‌کاربردترین آن رنگ سفید است. مولوی مرادش علاوه بر وصف طبیعت رنگها، تعبیر از حالات مختلف انسان و طبیعت پیرامون در موقعیتهای مختلف است. و در این راه، گاه از تشبیه، استعاره، کنایه و یا رمز بهره برده است.

۴. رحیمی ششده و صفابخش در سال ۱۳۹۱ تحقیقی تحت عنوان «تقابل جوانی با پیری بر اساسی عنصر رنگ در تصاویر نظامی» را به نگارش درآورده‌اند، نگارندگان در این مقاله به بررسی و تحلیل تصاویر و مضامین مختلف جوانی و پیری بر اساس عنصر رنگ پرداخته‌اند و بیان کرده‌اند که نظامی با خلق و ابداع مضامین نو، تصاویر و تعبیر خاص و شیوه بیان کاملاً تصویری جریانی جدید در شعر عصر خویش به وجود آورده است.

۵. سیفی و مرادی در سال ۱۳۹۱ در مطالعه‌ای به بررسی تطبیقی بسامد کاربرد رنگ در اشعار نیمایوشیچ و بدر شاکر سیاب پرداخته‌اند. در این پژوهش کوشش شده است بسامد کاربرد رنگها و جایگاه آن، در تصاویر شعری این دو شاعر بررسی شده که بر اساس آن مشخص شد که رنگ سیاه، پرکاربردترین رنگ در اشعار نیما و سیاب است که نشان از غلبه سیاهی بر ذهن و روح شاعر دارد. دلالتهای مشترک این رنگ در اشعار هر دو شاعر، گواه شباهت زمینه‌های اندیشه‌ای آنها به یکدیگر است. بررسی همه جانبه اشعار دو شاعر، مؤید اشتراکات قابل توجه

در تجارب فردی و اجتماعی و سیاسی آنها دارد. علاوه بر این، بسامد کاربرد و مفاهیم و دلالت‌های رنگهای سفید، سرخ و زرد نیز در اشعار آنها مشابه است.

۴- اهداف مقاله

هدف اصلی

بررسی روانکاوانه عنصر رنگ در اشعار فریدون مشیری

اهداف فرعی

۱. بررسی زمینه‌های نمادین عنصر رنگ در اشعار فریدون مشیری
۲. بررسی تحلیل عنصر رنگ و تجسم آن در مباحث روانشناسی
۳. بررسی هدف تصویرپردازی‌های اشعار مشیری با استفاده از تعامل و تقابل رنگ‌های به کار رفته در اشعارش

۵- سوالات پژوهش

سوال اصلی

مباحث روانکاوانه عنصر رنگ در اشعار فریدون مشیری چگونه است؟

سوالات فرعی

۱. زمینه‌های نمادین عنصر رنگ در اشعار فریدون مشیری چگونه است؟
۲. عنصر رنگ و تجسم آن در مباحث روانشناسی در اشعار فریدون مشیری به چه صورت است؟
۳. مشیری در تصویرپردازی‌های خویش با استفاده از تعامل و تقابل رنگ‌های به کار رفته در اشعارش چه اهدافی را دنبال می‌کرده است؟

۶- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی

عنصر رنگ در اشعار فریدون مشیری از ابعاد روانکاوی برخوردار است.

فرضیه‌های فرعی

۱. رنگ سبز، آبی و رنگ‌های ملایم در شعر مشیری نشان دهنده آرامش و رنگ‌های سیاه و تیره، نشان دهنده درونی ناآرام و همراه با یاس و بدبینی است.
۲. در اشعار فریدون مشیری رنگ‌ها به عنوان نماد، تحت حوادث شخصی شاعر و مسائل اجتماعی به وجود آمده است.
۳. مشیری اهداف خود را صرف نظر از نمادهای عرفانی، در جنبه‌های اجتماعی نیز دنبال کرده است.

۷- مفاهیم و مبانی نظری تحقیق

مفاهیم و مبانی نظری تحقیق تحت عناوین ذیل ارائه می‌گردد:

۱,۷ رنگ چیست؟

تعریفی که هنر و فیزیک از رنگ دارند با تعریفی که روان شناسی از رنگ‌ها ارائه می‌دهد، متفاوت است. دکتر «الریش بیر» روان شناس مشهور اتریشی می‌نویسد، «به طور یقین از لحاظ روان شناسی به ندرت می‌توان در طبیعت چیزی به بزرگی رنگ مشاهده کرد، هیچ کس از ما نمی‌تواند در برابر طبیعت قرار بگیرد و غریزه، عواطف و احساساتش برانگیخته نشود. همه ما از دیدن و درک رنگ‌ها لذت می‌بریم.» انسان در برابر رنگ‌ها از خود واکنش‌هایی خواهد داشت. رنگ قسمتی از ناخودآگاه، نیم خودآگاه و نا خودآگاه ماست و ما با دریافت رنگ در رفتارمان از خود واکنش نشان می‌دهیم. این واکنش‌ها فقط روانی و یا ادراکی نیستند، بلکه ممکن است جنبه فیزیولوژیک هم داشته باشند. از این رو رنگ کامل‌ترین تعریف یک پدیده سایکوفیزیولوژیک است که در مغز و روان ما ایجاد می‌شود و خارج از ذهن ما رنگ مفهومی نخواهد داشت (بختیاری فرد، ۱۳۸۸)

از زمان‌های دور دست رنگ‌ها همواره اطراف بشر را احاطه کرده‌اند و وی را به زیر سلطه خود درآورده‌اند و انسان همواره تحت تاثیر رنگ‌های محیط خود بوده است. «در عصر حاضر نیز به کمک رنگ‌ها حالت‌های روانی افراد تشخیص داده می‌شود یا بسیاری از بیماری‌ها، خواه روانی و خواه جسمانی و بدنی، به وسیله آنها درمان می‌شود» (آیت‌اللهی، ۱۳۸۱).

۲،۷ مفاهیم عنصر رنگ

زمینه مفاهیم رنگ، به محیط جغرافیایی، فرهنگی، حالات و خصایص روحی هر انسان دارد. لذا هر رنگی در محیط خاص، ممکن است یادآور موضوعی باشد و هر قومی ممکن است به مناسبت اوضاع اقلیمی خود، رنگی را دوست بدارد و از رنگی نفرت داشته باشد. زمینه روحی انتخاب رنگ توسط شاعر، به دلیل حرکت خیزشی و جوششی آن، ریشه در احساسات و عواطف و تاملات درونی دارد و در اشخاص مختلف متفاوت است.

در زبان فارسی گرچه دایره واژگان ساده در زمینه رنگ‌ها چندان گسترده نیست، با استفاده از صفات (مانند تیره، روشن سیر، آسمانی) و افزودن آن به اسم رنگ، یا ساختن صفت با افزودن حرف «ی» به آخر نام‌های برخی چیزها (مانند گل، فیروزه، نارنج، بلوط، زغال، لاجورد، خاکستر) دایره واژگان رنگ‌ها توسعه یافته و انواع و درجات مختلفی از رنگ‌ها را در بر گرفته است (انوشه ۱۳۸۱).

اشعار به دلیل ویژگی تصویریشان از حواس پنجگانه، به حس بینایی و در الزامات مربوط به این حس، بیشتر به عنصر رنگ متکی هستند. رنگ در زبان یک شاعر مقوله مهمی از لحاظ زیبایی‌شناختی محسوب می‌شود. شاعر از طریق رنگ می‌تواند فضای شعر خود را پرجاذبه‌تر و گسترده‌تر کند (آذرانداز و باقری حسن کیاده، ۱۳۹۴: ۱۹).

در شعر و ادب فارسی نیز شاعران برای رنگ‌آمیزی تصاویر شعری خود معمولاً از استعاره مدد می‌گیرند.

۱،۲،۷ رنگ سیاه

ماکس لوشر در توصیف از رنگ سیاه ابراز می‌دارد: «رنگ سیاه نمایانگر مرز مطلق است که در فراسوی آن زندگی متوقف می‌شود. سیاه بیانگر پوچی و نابودی است. این رنگ نشانه ترک علاقه، تسلیم یا انصراف نهایی است» (لوشر ۱۳۸۴).

رنگ سیاه نماد شب، ظلمت، غم، وحشت، اضطراب، و رنگ اندوه و مرگ است. این رنگ را رنگ شیطان و اهریمنان دانسته‌اند و رنگی برای پوشیدگی و رازداری و جنایت و دزدی است. کلماتی چون سال سیاه، جامعه سیاه و غیره نمایانگر تاثیرات منفی این رنگ است. این رنگ - که رنگشب است - نشان کتمان و رازداری است و سالکی که خرقة سیاه می‌پوشد؛ باید اسرار طریقتی خویش را مخفی بدارد (کاشفی سبزواری، ۱۳۴۸).

۲،۲،۷ رنگ سفید

نقطه مقابل رنگ سیاه، سفیدی است «در تحلیل رنگ سفید که اغلب با بی‌رنگی مرادف است معصومیت غیر قابل لمس و تزکیه را می‌توان یافت. رنگ سفید نماد صلح و آزادی بوده، به همین جهت رنگ پرچم صلح سفید است. البته سفید در برخی کشورها چون چین، لباس عزا و ماتم بوده و در قلمرو غزنویان و عباسیان نیز، همین معنا را داشته است. بنابراین سفید در مفهوم مثبت خود، نماد مرگ و وحشت و عناصر فوق طبیعی است» (نیکوبخت و قاسم زاده، ۱۳۸۴).

البته گاهی سفید در نشانه مرگ و عزا نیز مفهوم مثبتی ایفا می‌کند چنانکه پوشیدن کفن سفید برای مردگان نماد آرزوی سعادت‌مندی و عاقبت به خیری در جهان برین است. در دین اسلام نیز پوشیدن لباس سفید بسیار تاکید شده است (پاک نژاد، ۱۳۶۱).

رنگ سفید در عرفان نیز مفاهیم نمادین خاصی دارد. در فتوت نامه سلطانی آمده است که «اهل تصوف آنگاه که خرقة سفید می‌پوشند؛ نشان این است که پوشنده آن دلی روشن و عاری از غبار حقد و کینه دارد» (کاشفی سبزواری، ۱۳۴۸).

۳،۲،۷ رنگ سرخ (قرمز)

این رنگ نماینده آتش، قدرت، ایثار و عشق است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶)؛ رنگ قرمز فرمانده است، به همین دلیل در چراغ‌های راهنمایی برای نشان دادن حالت توقف، از این رنگ استفاده می‌شود. رنگ قرمز را نمادی از قدرت مردانه دانسته‌اند که حالات مردانگی (آنیموس) را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مصر این رنگ محافظ آتش، در ژاپن نشانه خوشبختی و در دیدگاه سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها نشانه آزادی بود (علی اکبر زاده، ۱۳۷۸).

به علاوه رنگ قرمز را نماد حیات و زندگی و عامل موثری در سازندگی و تشدید رویش گیاهان و بیان‌کننده هیجان و شورش دانسته‌اند (ایتن، ۱۳۶۷). در کل قرمز علاوه بر نماد شور و نشاط و خون، نشانه شرم و حیا و عشق است و در اکثر دنیا، تقریباً به همین مفهوم رایج است (بایار، ۱۳۷۶).

۴،۲،۷ رنگ زرد

رنگ زرد هنرها و شاخه‌های مختلف خیالی معنای متفاوتی دارد. این رنگ در زمینه‌های نقاشی هنرمندان قدیم، سمبلی از ماوراء دنیای شگفت‌انگیز خورشید و نور و هاله نورانی فدیسن آیت قداست آنها بود (ایتن، ۱۳۸۴) اما این رنگ‌ها در ادبیات ما چندان ارزشی ندارد. مفهوم منفی این رنگ که نشان از ضعف و بیماری است، نشات گرفته از بیماری بنام یرقان است که در گذشته منجر به مرگ هزاران نفر می‌شد. رنگ زرد در شعر و نثر فارسی برای ترس، غم، خزان، بیماری، پیری، ناتوانی و دوران طولانی رنج عاشق به کار رفته است (نیکویخت و قاسم زاده، ۱۳۸۴).

رنگ زرد رنگ ابدیت و جاودانگی است. این رنگ در کشورهای مختلف مفاهیم خاصی دارد. در چین و تمدن مسیحی غرب و تاحدودی در کشور ایران رنگ زرد رنگ مقدس است و به همین دلیل هنگام کشیدن تصاویر بزرگان دین، معمولاً هاله‌ای از این رنگ دور سر آنها را در بر می‌گیرد. با این حال، در فرهنگ عامه و ادب فارسی و به طور کلی در فرهنگ جهانی، رنگ رشک، خیانت، یأس، بلا و ناامیدی است (توکلی، ۱۳۷۸). گویند مفهوم اصلی مفهوم رنگ زرد در ایران - که نشانگر یأس و ناامیدی و بیماری است - بیماری به نام یرقان بود که به زردی شهرت داشت و موجب مرگ و میر فراوان شد (علی اکبرزاده، ۱۳۷۸).

۵،۲،۷ رنگ بنفش

این رنگ که جامع مفاهیم نمادین قرمز و آبی است؛ نشانگر اندیشه‌های متفکرانه و عارفانه، رنگ روحانیت و وقار و عزت نفس است. بنفش را رنگ تقوا دانسته‌اند و نمادی از دوران گذر در این دنیا از زندگی به مرگ (توکلی، ۱۳۷۸).

۶،۲،۷ رنگ سبز

رنگ سبز، در مقام آرام‌ترین رنگ‌ها، نماد ایمان، عقیده به رستاخیز و محشر است؛ زیرا سبز حیات دوباره است. در آداب و رسوم مذهبی، سبز مظهر ایمان و انتظار نجات است و همانند آبی، نشانی تقدس و پاکی است. رنگ سبز در اصطلاحات عرفانی نشانی از عالی همتان و زنده‌دلان است. مرگ سبز، به پوشیدن است. رنگ سبز در اصطلاحات عرفانی نشانی از عالی همتان و زنده‌دلان است. مرگ سبز، به پوشیدن خرّقه به هم بافته‌ای که بر زمین انداخته شده و ارزشی ندارد اطلاق شده است؛ پس هرگاه از لباس زیبا به آن بسنده شود؛ مرگ سبز اتفاق خواهد افتاد؛ زیرا زندگی‌اش با قناعت سبز و رویش با شادابی جمال ذاتی شادمان می‌شود (عبدالرزاق کاشانی، ۱۳۷۶).

۷،۲،۷ رنگ آبی

رنگ آبی، نماد ایثار، صلح و آرامش است و بیشتر مورد علاقه اشخاص بالغ و متعادل و متواضع است. آبی، رنگ معنویت و ایمان، امید و پیروزی است. چینی‌ها، آبی را نماد فناپذیری؛ انگلیسی‌ها، رنگ بد خلقی و افسردگی؛ یونانیان، آن را نمادی از ظلمت می‌دانند؛ در استرالیا، صمیمیت و وفاداری، در برزیل، آسایش و خونسردی، در فرانسه و ایتالیا، تداعی کننده ترس و در پرتغال، حسادت و در سویس، نماد خشم و طغیان است (شمیسا، ۱۳۷۶).

در فرهنگ سمبل، آبی به خدای خدایان ژوپیترا (مشتری) و همسرش جونو^۱ منسوب است و رمز احساسات مذهبی و عصمت و تقدس محسوب می‌شود (همان). رنگ آبی، معمولا بسیار مثبت ارزیابی می‌شود و در حقیقت، امنیت و خلوص معنوی را تداعی می‌کند. در مصر باستان، آبی نشانه حکمت و در چاپ نسب، نماد دادگری، فروتنی، وفاداری، پاکدامنی، شادی، درستی، آواز نیک، عشق و خوشبختی جاودان است. طبق متون کهن بودایی نیز از میان سی و دو

^۱ juno

امتیازی که یک مرد بزرگ باید دارا باشد، یکی داشتن چشم‌هایی نیلی است. کلیسای انگلیسی که سنت ساروم^۱ را دنبال می‌کنند، آبی را نشانه امید، عشق به امور الهی، طاقت و پرهیزکاری می‌دانند (سپهری، ۱۳۷۰).

۳،۷ مطالعات فرهنگی رنگ

رنگ‌ها در فرهنگ‌های مختلف مفاهیم سمبولیک متفاوتی را انتقال می‌دهند. در هر فرهنگی، تلقی مردم از هر رنگ، مبتنی بر روابطی است که آن‌ها بین رنگ‌ها معنایشان پدید می‌آورند. نمادها، نشانه‌هایی هستند که در هر فرهنگ وجود دارند و به صورت رنگ، عدد، شکل و غیره خودنمایی می‌کنند. در این میان رنگ‌ها در فرهنگ های مختلف مفاهیم سمبولیک متفاوتی را انتقال می‌دهند. در هر فرهنگی، تلقی مردم از هر رنگ، مبتنی بر روابطی است که آن‌ها بین رنگ‌ها و معنایشان پدید می‌آورند. به عنوان مثال در غرب، سبز به معنای امیدواری، سفید به خلوص، سیاه به عزاداری، قرمز به عشق یا انقلاب و زرد به دشمنی و کینه‌توزی نسبت داده می‌شود. در حالی که در چین، سفید به پرهیزکاری و زرد به اعتماد و صداقت و سیاه به کدورت و بی‌علاقگی مربوط می‌شود. در فرهنگ هندی، قرمز به معنای جاه و ارزوست و ... در همین زمینه گروه تولید تازه در گزارشی کوشیده است به معناشناسی مفهوم رنگ‌های اصلی در نزد فرهنگ‌ها و ملل مختلف بپردازد.

رنگ سفید در کشور های غربی رنگ تولد است و هم‌چنین نمایان گر وقایع شیرین زندگی است که به صورت جشن ظاهر می‌شود در حالی که در چین نشانه عزاداری است. از طرف دیگر رنگ سیاه در کشور های غربی نشانه عزاداری است، (شاید به دلیل ارتباطی که با تاریکی شب دارد). رنگ قرمز رنگ خون است که بستگی به فرهنگ ملل تعبیری جداگانه می‌تواند داشته باشد (به معنای زندگی چون خون ماده حیاتی است که باعث زندگی میشود و به معنای مرگ چون خون نشانه ای از جراحت و رنج است. در چین رنگ قرمز نشانه فال نیکو در ترکیه نشانه مرگ است.

در امریکا رنگ سبز نشاط و سلامت و تازگی را تداعی می‌کند در حالی که همین رنگ را در کشور هایی که جنگل‌های فراوان دارند، با بیماری ارتباط می‌دهند، رنگ سبز رنگ دلخواه اعراب نیز هست. در حالی که در برخی از مناطق اندونزی این رنگ، رنگ منفی به حساب

¹ sarum

می‌آید. در ژاپن رنگ سبز معرف تکنولوژی بالا است. در حالی که در آمریکا تجهیزات الکترونیکی سبز رنگ مردم را فراری می‌دهد. در برزیل رنگ بنفش و در مکزیک رنگ زرد در ساحل عاج رنگ قرمز تیره رنگ عزا هستند، از نظر آمریکایی‌ها رنگ آبی، رنگ مردانه است در حالی که در بریتانیا و یا فرانسه بیشتر رنگ قرمز رنگ مردانه به شمار می‌رود. در آمریکا رنگ صورتی رنگ زنانه است در حالی که در بسیاری از کشورهای دیگر رنگ زرد زنانه است (احمدیان راد، بی‌تا).

ادبیات و ارتباط آن با حوزه‌ها و علوم دیگر، همیشه با داد و ستدها و نیز چالش‌هایی همراه است که آگاه نیز به سلطه‌ی یکی بر دیگری می‌انجامد، رنگ در ادبیات به ویژه در شعر، گاه به شکل مستقیم و در بیشتر موارد در صور خیال گوناگون حضور دارد، عنصر رنگ با توجه به عقاید و فرهنگ‌های گوناگون، از نظر مردم‌شناسی و مطالعات فرهنگی نظریه‌های گوناگونی را درباره عقاید مختلف مردم ارائه داده است.

اغلب افراد نسبت به قدرت روان‌شناختی رنگ هشیارند و کمتر کسی است که تحت تاثیر رنگ قرار نگیرد. برای بهزیستی یا بهتر زیستن، رنگ‌های پیرامونی باید با شخصیت ما هماهنگ باشند. واکنش هر فرد نسبت به رنگ می‌تواند بر اساس ویژگی‌هایی چون سن، جنس، تعلق قومی یا گروه‌های اجتماعی-اقتصادی و حتی آب و هوای محلی تبیین شود (خو، ۲۰۰۱).

از گذشته‌های دور، این باور وجود داشت که خلق، هیجان، احساس، شناخت و امیال انسانی تحت تاثیر رنگ قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، از رنگ و نور تقریباً در هر فرهنگ، مذهب و جامعه برای درمان بیماری‌های متعدد سود می‌جستند. برای مثال در مصر باستان، رنگ در همه جنبه‌های زندگی به کار می‌رفت و از رنگ‌های زنده در نقاشی‌های تزئینی و خط هیروگلیف که خانه‌ها، مقبره‌ها و معبد‌ها را زینت می‌کرد، استفاده می‌شد. معبد‌ها در فرهنگ مصر باستان، نه فقط مکانی برای پرستش بودند بلکه با هدف شفابخشی نیز به کار می‌رفتند. در این معبد‌ها اطاق‌ها به گونه‌ای ساخته می‌شدند که اشعه‌های خورشید را به صورت رنگین‌کمان در می‌آوردند و بیماران را برای درمان در معرض آن قرار می‌دادند (دایره المعارف بریتانیکا، ۲۰۰۱).

۸- کاربرد عنصر رنگ در اشعار فریدون مشیری

رنگها با گذر زمان از مرزهای معانی ظاهری، در طول زمان معانی رمزی یافته‌اند. این ابهام و چند لایه بودن معانی در رنگ‌هاست که بدان‌ها زیبایی بخشیده و موجب شده است تا مخاطب با کشف روابط و معانی پنهان آن، از اثر هنری لذت ببرد و تحت تأثیر آن قرار بگیرد. یکی از اهداف شاعر در بکار گرفتن رنگها در شعر، اثرگذاری بر مخاطب است. (انصاری و خزعلی، ۱۳۹۳: ۲). این موضوع در اشعار فریدون مشیری نیز صدق می‌کند.

فریدون مشیری از آن دسته از شاعران معاصر است که رنگ در شعر و تصویرسازی برای او از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و بدین جهت از اکثریت رنگ‌ها، با شیوه‌ای بسیار درست و اصولی و متناسب با معنا و متناسب با روحیات خود، بهره برده است. مشیری خواهان مشارکت عاطفی ناخودآگاه با پدیده‌های طبیعی است. او به توصیف رنگ‌هایی در طبیعت و بیان احساسات خود از طریق آن‌ها، حساسیت و عنایت خاصی دارد. بر این اساس در بکارگیری شیوه‌های بیانی تصویرپردازی، باورها و عقاید و در حوزه روانشناسی ماهرانه می‌اندیشد. «در هر حال به کار بردن رنگ‌ها و اکثریت بخشی به آنها در زبان به نشان دادن ذهن و دغدغه‌های روحی شاعر کمک بسیار می‌کند. به عبارت دیگر طرح‌های فرضی شاعر را نمایان می‌کند و بر مفاهیم ذهنی و روحیات محتوای نوشته‌ها دلالت می‌کند.» (پناهی، ۱۳۸۵).

مشیری رنگ را در شعر با آگاهی و بدون هیچ‌گونه تکلیفی، برای تصویرسازی به کار می‌برد. او در تصاویر شعری خود از رنگ به دقت استفاده می‌کند و رنگ را با ظرافت می‌ریزد. روح آرامش طلبی او را، در رنگ‌های آرامی که به کار می‌برد می‌توان دریافت اگر چه بعضی وقت‌ها به ضرورت زمان و مکان از واژه‌هایی سود می‌جوید که بوی ستیزه و جنگ و خون و غم و اندوه از آنها می‌تراود. در هر حال با دقت در تمامی اشعار چاپ شده این شاعر می‌توان ظرافت‌های شعری او را در روحیات و بیان احساسات او مشاهده کرد.

۱.۸ مفهوم و مصداق رنگ‌های گرم در اشعار فریدون مشیری

برای درک بهتر چگونگی کاربرد رنگ‌های گرم در اشعار فریدون مشیری، نیاز به ذکر مثال‌هایی است، از جمله این مثال‌ها ابیات ذیل قابل اشاره می‌باشد:

«چیست در زمزمه مبهم آب؟/ چیست در همهمه دلکش برگ؟/ چیست در بازی آن ابر سفید؟/ روی این آبی آرام بلند / که تو را می برد این گونه به ژرفای خیال» (مشیری، ۱۳۹۰)

مشیری در این قطعه با به کار بردن کلماتی چون زمزمه مبهم آب، همهمه دلکش برگ، ابر سفید، آبی آرام بلند، ژرفای خیال، بیانگر روح لطیف و دقت او در طبیعت است. دوست داشتن طبیعت مشیری، روح سالم و سرزنده او را مشخص می کند و استفاده از رنگ آبی برای روح مشیری، لحظه های خیالی پرواز است و از این طریق می خواهد زیبایی زندگی را به گونه ای زیبا و با روح معنوی آنها نشان دهد.

«تو آسمان آبی آرام و روشنی من چون کبوتری که پرم در هوای تو

یک شب ستاره های تو را دانه چین کنم با اشک شرم خویش بریزیم به پای تو»
(مشیری، ۱۳۸۱).

در این قطعه مشیری (تو) معشوق خود را به آسمان آبی آرام و روشنی تشبیه کرده است که در آن به آرامش و روشنی می رسد و آن را به قدری روشن و آرام بخش تصور می کند که با آن می تواند به اوج آسمان برسد و ستاره های آن دست یابد. در این قطعه مشیری آرامش خود را در امنیت و خلوص به دست می آورد و در برابر چنین آرامش و پاکی آسمان و معشوق خود، اشک شرم می ریزد.

«بوی باران، بوی سبزه/ بوی خاک / شاخه های شسته، باران خورده، پاک / آسمان آبی و ابر سفید / برگ های سبز بید...» (مشیری، ۱۳۹۰)

مشیری با کلماتی چون بوی باران، بوی سبزه، ... به بیان درک درست و زیبایی از زندگی ارائه می کند و این مسئله از امیدی که به زندگی دارد، نشأت می گیرد که با استشمام بوی خاک و باران و ... به آرامشی دست پیدا می کند که با آن می تواند به همه چیز دست یابد و اصل زندگی را به درستی دریافت کرده است.

«سحر دیدم درخت ارغوانی کشیده بر به بام خسته جانی»

«به گوش ارغوان آهسته گفتم بهارت خوش که فکر دیگرانی» (مشیری، ۱۳۹۰)

از نظر روان شناسی رنگ، رنگ ارغوانی، ارغوانی را هنرمندان و افرادی با گرایش های فرهنگی می پسندند و معمولاً با احساس و روح لطیفی دارند و کسانی که این را دوست دارند از

جنبه‌های نامطبوع و زنده زندگی اجتناب می‌کنند، این رنگ، رنگ ظریف و شادی است (کارگیا، ۱۳۷۵). در این قسمت نیز مشیری درخت ارغوانی را نشانه امیری و سرزندگی فردی می‌داند که دچار ناامیدی شده است و در بیت بعد این درخت را به دلیل امید دادن به این شخص تحسین می‌کند.

«از درو دست‌ها/ آواز وساز وهلهله ای می‌رسد به گوش/ طبل بزرگ رعد/ بر می‌کشد خروش ز شلاق سرخ برق/ خون فسرده در دل ابر فسرده را می‌آورد جوش». (مشیری، ۱۳۷۹)

از آغاز این شعر می‌توان متوجه شد که شاعر در این قطعه سخن از شادی و سرزندگی می‌زند که می‌شود با سرخی خورشید و روشنایی که به گوش و جان آدمی می‌زند، سرزندگی و نشاط را دریافت کرد.

«دوسرخی برون زاید از آفتاب که دریا از آن می‌شود سرخ ناب
شگفتا دو سرخی، حیات وعدم یکی سرخ شادی یک سرخ غم
یکی صبح وقت فراز آمدن گل افشانی جشن باز آمدن
یکی عصر، از اوج شوکت، نگون همه سرخی‌اش، سرخی اشک خون» (مشیری، ۱۳۸۰)

همان‌طور که بیان شده در روانشناسی رنگ‌ها، رنگ سرخ نماد آتش است، آتشی که در روح انسان شعله ور می‌شود؛ نظیر خلق و خوی خون‌خواران و طبیعت مردانه دارد و مشیری با شناختی که از رنگ سرخ دارد، حالت‌های روانی و احساسات خود را به گونه‌های مختلف نشان داده است که یکی از این حالات می‌تواند نشان از سرزندگی، نشاط، عاطفه و دل‌بستگی و زادن و مردن نیز هم باشد، مانند واژه دو سرخی که در آن مشیری سخن از بیدار و زنده شدن و خوشحالی که از صبح دریافت می‌کند و از تیرگی و ناامیدی که از غروب دریافت می‌کند را نشان می‌دهد. همچنین در مصرع آخر شهید را به سرخی تشبیه کرده است که رفتن او مانند غروبی است که از رفتنش خون چکیده می‌شود.

۲,۸ مفهوم و مصداق رنگ‌های سرد در اشعار فریدون مشیری

این بخش نیز با ذکر شاهد مثال‌های شعری ارائه می‌گردد:

«آهی کشید غم پیری سپید موی / افکند صبحگاه در آئینه چون نگاه / در لابه لای موی
چو کافور خویش دید / یک تار موی سیاه / در دیرگاه مضطربش اشک حلقه زد / در خاطرات
تیره و تاریک خود دوید / سی سال پیش نیز در آئینه دیده بود / یک تار موی سپید»
(مشیری، ۱۳۹۰).

در این قطعه مشیری به بیان دوران پیری و سفید شدن موها اشاره دارد و یادآوری می‌کند که چگونه انسان از لحظه‌ای که یک تار موی او سفید شده بود تا زمانی که کاملاً پیر شده است، زمان چگونه زود گذشته است. در این قطعه حسرت و یاد گذشته مشیری منجر به به کار بردن کلمات سفیدی مو، شده است و به گونه‌ای سفید در این قسمت خلاف رنگ آن که روشن است، نشان از غم و اندوه دارد.

«بخوان خدا را / دلم گرفته، دلم گرفته، دلم گرفته درین سیاهی / شبی سر زنده سپیده
آیا؟» (همان)

در این قطعه به کار رفتن رنگ سیاه و سفید در جای خود به درستی به کار رفته است؛ رنگ سیاه نشان از گرفتن دل و اندوهناکی شخص است که با صدا کردن و رفتن به سمت خدا می‌تواند به سفیدی و روشنی برسد.

«از پشت میله‌های قفس / آسمان صبح/آئینه دود و سخت غبارآلود/ رنگی میان سربی و
خاکستری/ کبود/ می‌شد در آن هنوز/ زمین را نگاه کرد/ سرب روان و توده خاکستر/ تاراج
آشیانه نیلوفر» (مشیری، ۱۳۸۰).

در این قسمت مشیری آسمان را با رنگ کبود نشان داده است و نشان می‌دهد که قلبی که در آن با آلودگی کینه پر شده است به قدری کبود و گرفته می‌شود که سخت می‌توان با آن به روشنی آسمان و معشوق رسید. کبود در این شعر نشان از ناامیدی و گرفتگی دل شاعر است که با رنگ کبودی بیان شده است.

«چشم ما روشن ای چراغ سحر خوش درخشیده‌ای، چه حال و خبر؟

چون گذشتی از آن شبان سیاه همه طوفان و خشم و خطر؟ (مشیری، ۱۳۸۰)

در این شعر مشیری احساسات و اندیشه‌های خود درباره اتفاقات جامعه آن دوران را، در صورت شبان سیاه بیان کرده است. در بیت اول این شعر، مشیری دوران خفقان و ناامیدی که از ظلم‌ها دریافت کرده است را در قالب رنگ سیاه بیان می‌کند و خواننده با خواندن این دو بیت متوجه ناامیدی و نفرت و ظلم آن دوره خواهد شد.

۹- نتیجه‌گیری

رنگ‌ها بیشتر برای مشخص‌تر کردن زبان شعری و آشنایی‌زدایی استفاده می‌شود. مسائل اجتماعی، سیاسی و متعهد بودن به رسالت‌های اجتماعی و از همه مهم‌تر مسائل روحی و روانی منجر به بروز رنگ در اشعار شاعران می‌شود. بینش فکری مشیری باعث شده تا با نیروی تخیل و آگاهی ژرف، اندیشه‌ی تصاویر روحیات خود را در تندیس شعر با زیبایی بیان کند و دیگر اینکه او با به کار بردن عنصر رنگ، خود را از دایره‌ی تکرار رها نیده و سعی کرده سات تا تقلید صرف را از شعر گذشتگان کنار گذاشته و خود به طور مستقل و با نوزایی و نواندیشی در مفاهیم بکر روحیات خود را نشان می‌دهد. در اشعار مشیری رنگ‌ها به عنوان بیان‌کننده‌ی حودث شخصی او و مسائل اجتماعی که بر روحیه‌ی شاعران وارد آمده، شناخته می‌شود به دلیل اینکه رنگ‌های تیره و غم‌آلود نشان‌دهنده‌ی سایه‌های وهم و ترس و اختناق و رنگ‌های شاد و سپید و سرخ و آبی، مظهر شادی و امید و رهایی بوده است. دیگر اینکه رنگ‌های آبی و سبز در اشعار مشیری برخلاف نظرهای دیگران، تعبیری از روشنی و آرامش هستند و این نکته می‌تواند مسئله قابل توجهی در اشعار مشیری باشد.

منابع

- انصاری، نرگس، خزعلی، انسیه، ۱۳۹۳، زیبایی‌شناسی عنصر رنگ در شعر عاشورایی معاصر فارسی و عربی، دو فصلنامه ادبیات شیعه، سال دوم، شماره سوم، صص ۱۰۷-۱۴۱.
- انصاری، نرگس، صیادانی، علی، اسدی، صدیقه، ۱۳۹۱، تحلیل ابعاد معناشناختی رنگ‌ها در مثنوی معنوی، فصلنامه درّ دری، سال دوم، شماره سوم، صص ۲۱-۴۰.
- انوشه، حسن، ۱۳۸۱، فرهنگ‌نامه ادب فارسی، (دانشنامه ادب فارسی، ج ۲)، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم.
- ایتن، یوهانس، ۱۳۶۷، کتاب رنگ، ترجمه محمدحسین حلیمی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سوره.
- ایتن، یوهانس، ۱۳۸۴، عناصر رنگ، ترجمه بهروز ژاله‌پرست، انتشارات عفاف، چاپ ششم.
- آذرانداز، عباس، باقری حسن کیاده، معصومه، ۱۳۹۴، عنصر رنگ و حس‌آمیزی در سرودهای مانوی، هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی.
- آیت‌اللهی، حبیب‌الله، ۱۳۸۱، مبانی رنگ و کاربرد آن، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد.
- پایار، ژان پیر، ۱۳۷۶، رمزپردازی آتش، ترجمه جلال ستاری، چاپ اولف تهران: نشر مرکز.
- بختیاری فرد، حمیدرضا، ۱۳۸۸، رنگ و ارتباطات، چاپ اول، تهران، انتشارات فخراکیا.
- بیرانوند، نسرین، آریان، حسین، کاظم خانلو، ناصر، ۱۳۹۵، نماد رنگ و حس‌آمیزی آن در تصویرسازی‌های اخوان‌ثالث، فصلنامه تخصصی تحلیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲۷.
- پاشایی فخری، کامران، ۱۳۹۴، بررسی نماد رنگ در آثار سعدی، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، سال هشتم، شماره سوم، پیاپی ۲۹.
- پاک نژاد، سیدرضا، ۱۳۶۱، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، جلد هجدهم، تهران: انتشارات کتاب‌فروشی اسلامی.

- پناهی، مهین، (۱۳۸۵)، نماد رنگ‌ها در شعر معاصر، فصل نامه پژوهش های ادبی، شماره‌های ۱۲ و ۱۳، تابستان و پاییز.
- توکلی، حمید، ۱۳۷۸، رنگ در تصویر سینمایی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته هنر، دانشگاه تربیت مدرس.
- ذبیح‌نیا عمران، آسیه، حوتی‌نژاد، سید خلف، ۱۳۹۳، روانشناسی رنگ در روایت وامق و عذرا، چیدمان، سال دوم، شماره ۲۰.
- رحیمی، غلامرضا، صفابخش، ناصر، (۱۳۹۱)، تقابل جوانی با پیری بر اساس عنصر رنگ در تصاویر نظامی، متن‌شناسی ادب فارسی، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دوره جدید، سال چهارم، شماره ۱.
- رنجبر، جواد، نجاتی، داود، ۱۳۹۲، «بررسی و تحلیل «رنگ سیاه» در اشعار نیما و محمود درویش»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی، سال اول، شماره چهارم.
- سپهری، سهراب، ۱۳۷۰، چاپ دوم، تهران: انتشارات سروش.
- سیفی، طیبیه، مرادی، کبری، ۱۳۹۱، بررسی تطبیقی بسامد کاربرد رنگ در اشعار نیمایوشیح و بدر شاکر سیاب، ادب عربی، شماره ۳، سال ۴.
- شفیع‌ی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۸۱)، صور خیال در شعر فارسی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات آگاه.
- شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۸۶، زمینه اجتماعی شعر فارسی، تهران، نشر اختران، چاپ اول.
- شمیسا، سیروس، ۱۳۷۶، نگاهی به سهراب سپهری، چاپ هفتم، تهران: انتشارات مروارید.
- شمیسا، سیروس، کریمی، پرستو، (۱۳۸۴)، سبک شخصی حافظ در رنگ‌آمیزی تصاویر شعری، فصلنامه زبان و ادبیات، شماره ۲۵.
- عبدالرزاق کاشانی، ۱۳۷۶، اصطلاحات الصوفیه، ترجمه و شرح محمدعلی مودود لاری، به کوشش گل بابا سعیدی، چاپ اول، انتشارات حوزه هنری.
- عصفور، جابر، (۲۰۰۳)، النقد الادبی، الطبعة الأولى، بیروت، دارالکتاب.
- عطاری، یوسف علی، فلاحی، رضا، (۱۳۸۲)، روانشناسی رنگ و تبلیغات، تهران، انتشارات گلگشت.

- علی اکبرزاده، مهدی، ۱۳۷۸، رنگ و تربیت، چاپ دوم، تهران: انتشارات میشا.
- کاشفی سبزواری، واعظ، ۱۳۴۸، فتوت نامه سلطانی، به اهتمام دکتر جعفر محجوب، چاپ اول، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- کلاهیچیان، فاطمه، نظری فر، فاطمه، ۱۳۹۵، تحلیل کارکرد محتوایی - بلاغی رنگها در غزل عطار، متن‌شناسی ادب فارسی، دوره جدید، شماره ۴، پیاپی ۳۲.
- لوشر، ماکس، (۱۳۸۶)، روانشناسی رنگ ها، ترجمه: ابی زاده، ویدا، چاپ اول، تهران، نشر درس.
- مشیری، فریدون، (۱۳۹۰)، بازتاب نفس صبحدمان، چاپ ۱۲، جلد ۲، تهران، انتشارات چشمه.
- نیکوبخت، ناصر؛ قاسم زاده، علی، ۱۳۸۴، زمینه های نمادین رنگ در شعر معاصر، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۱۸.

